

از سرهمبندی رتبه‌بندی تا ذبح آن در سلاخی رئیسی



مبارزه متشکل و اعتراضات سراسری ادامه‌دار معلمان برای رتبه‌بندی همچنان در حال گسترش است. مطابق فراخوان " شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان" روز شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۰ هزاران تن از معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته سراسر کشور بار دیگر دست به تجمع و اعتراض زدند. معلمان زحمتکش و مبارز ضمن حمل پلاکاردها و سردادن شعارها و سخنرانی‌های پرشور، با تجمع در برابر ادارات آموزش و پرورش، بر ادامه مبارزه تا تحقق مطالبات خویش پافشاری نمودند. در تهران نیز

در صفحه ۳

تحولات سیاسی خاورمیانه و مسئله فلسطین

اوضاع سیاسی منطقه خاورمیانه پس از توافقات سپتامبر ۲۰۲۰ میان امارات متحده عربی و بحرین با اسرائیل، تحت رهبری آمریکا در حال تغییر است. رژیم اسرائیل که از حمایت امپریالیسم آمریکا و اتحادیه اروپا برخوردار است، تحرکات سیاسی و دیپلماتیک خود را در منطقه افزایش داده و کوشیده است به یک جبهه غیررسمی علیه جمهوری اسلامی به‌ویژه از کشورهای هم‌مرز با ایران شکل دهد. پس از برقراری مناسبات رسمی دیپلماتیک میان امارات متحده عربی و بحرین با رژیم اسرائیل، آن‌ها اکنون علاوه بر تقویت همکاری‌های اقتصادی، وارد توافقات نظامی و امنیتی با یکدیگر نیز شده‌اند. سران رژیم اسرائیل به‌منظور تقویت این مناسبات در چند هفته اخیر در بالاترین سطوح، یکی پس از دیگری وارد این کشورها شده و با مقامات آن‌ها ملاقات و گفتگو داشته‌اند.

وزیر دفاع اسرائیل نیز در سیزدهم بهمن‌ماه وارد بحرین شد و در پی دیدار با سران این کشور با همتای بحرینی خود یک توافقنامه امنیتی امضاء کرد.

نتیجه این دیدارها، ارتقاء سطح مناسبات تا مرحله انعقاد توافقنامه امنیتی و نظامی بود. وزیر کشور بحرین در توضیح این توافقات گفت "عادی‌سازی روابط با اسرائیل از این کشور در برابر تهدیدهای مداوم ایران حفاظت می‌کند." رسانه‌های اسرائیل نیز نوشتند که "مذاکرات هسته‌ای و تهدیدهای ایران" در کانون گفت‌وگوی طرفین بوده است.

وزارت دفاع اسرائیل با صدور بیانی‌ای گفت: "این توافق به افزایش همکاری‌های اطلاعاتی،

در صفحه ۲

اعلامیه شورای همکاری نیروهای
چپ و کمونیست درباره تعیین
حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱

مبارزه برای افزایش
دستمزدها، امری است حیاتی
و تعطیل ناپذیر!

در صفحه ۸

تشدید بحران و شکاف در میان بالایی‌ها

سال ۱۳۹۷ است، آشکارا در باره وجود فساد مالی میان نیروهای مرتبط با نیروی قدس سپاه، بنیاد تعاون سپاه و شهرداری تهران سخن به میان آمده و به نحوی روشن به نقش مستقیم محمد باقر قالیباف، شهردار وقت تهران و رئیس فعلی مجلس ارتجاع اسلامی، قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس سپاه، جمال الدین ابرومند، معاون هماهنگ کننده سپاه و حسین طائب،

در صفحه ۱۰

روز پنجشنبه ۲۱ بهمن، یک فایل صوتی ۵۰ دقیقه‌ای مربوط به یک جلسه محرمانه از گفتگوهای محمد علی (عزیز) جعفری، فرمانده وقت سپاه پاسداران و صادق ذوالقدرنیا، معاون سابق اقتصادی و سازندگی سپاه پاسداران در رسانه‌های فارسی زبان خارج کشور انتشار یافت.

در این فایل صوتی که گفتگوهای آن مربوط به یک پرونده فساد مالی ۸ هزار میلیارد تومانی در

برخورداری از مسکن مناسب حق همگان است

باختگان ۶ نفر اعلام شده است). مرگ دلخراش آسیه پناهی اهل کرمانشاه در جریان ویران کردن سرپناه‌اش یکی از بسیار نمونه‌های دیگر است که انعکاس وسیعی در شبکه‌های اجتماعی یافته بود. در همین هفته مجتبی یوسفی از اعضای کمیسیون عمران مجلس اسلامی در گفت‌وگویی با خبرگزاری دولتی "ایلنا" گفت: "امروز ۲۰ میلیون نفر در کشور حاشیه نشین شدند و تقریباً

در صفحه ۵

یکی از نتایج گسترش فقر در جامعه، محروم شدن بخش بزرگی از جامعه از مسکن مناسب و حتی بی‌خانمانی است که نه تنها موجب آسیب‌های جدی به اعضای خانواده می‌شود بلکه حتی در مواردی نقشی مستقیم در مرگ آن‌ها دارد. در یک نمونه در روز ۵ شنبه ۱۸ بهمن، ریزش یک ساختمان قدیمی سه طبقه در شهر رباطکریم، متأسفانه باعث مرگ ۹ نفر و مصدوم شدن ۹ نفر دیگر شد (در برخی از گزارش‌ها تعداد جان

اعلامیه ی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در صفحه ۷

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

تحولات سیاسی خاورمیانه و مسئله فلسطین

آموزشی و همکاری در حوزه صنایع دفاعی کمک خواهد کرد. این توافق همچنین منجر به همکاری قوی و افزایش امنیت دو طرف و کل منطقه خواهد شد. این توافق به توانمندی دو طرف برای مقابله با تهدیدات مشترک خواهد افزود. پس از این توافقات اخباری از فروش رادارها و سامانه‌های ضد پهپاد یک شرکت صنایع هوایی وابسته به اسرائیل به بحرین انتشار یافت.

بحرین و امارات متحده عربی، پس از مصر و اردن سومین و چهارمین کشور عربی هستند که با اسرائیل رابطه رسمی و دیپلماتیک برقرار کرده‌اند. پس از آن‌ها، دو کشور مراکش و سودان نیز به این جمع پیوستند و روابط رسمی با اسرائیل برقرار کردند.

این روند نشان می‌دهد که دیگر حساسیتی در میان کشورهای عربی منطقه بر سر مسئله فلسطین برای برقراری مناسبات رسمی دیپلماتیک با اسرائیل وجود ندارد و احتمالاً چند کشور باقی‌مانده نیز در آینده‌ای نزدیک در همین مسیر حرکت خواهند کرد. در واقعیت نیز هم‌اکنون روابطی غیررسمی میان عمان، عربستان سعودی و غیره با اسرائیل وجود دارد. اما تحولات سیاسی اسرائیل به امیرنشین‌های حاشیه خلیج فارس محدود نمانده است. همین مسئله در مورد کشورهای منطقه قفقاز جنوبی نیز صادق است. مدتی پیش نزاع جمهوری اسلامی با جمهوری آذربایجان بر سر نقش و نفوذ اسرائیل در این کشور بالا گرفت که با مانورهای نظامی ترکیه و آذربایجان در مرز ایران فروکش کرد.

علاوه بر این، گزارش‌های چند روز گذشته حاکی است که دولت اسرائیل و ترکیه نیز بار دیگر در حال تقویت مناسبات خود با یکدیگرند. در اواسط فوریه، سخنگوی دولت ترکیه و معاون وزیر خارجه این کشور با مقام‌های اسرائیل دیدار کردند تا درباره مقدمات سفر رئیس‌جمهور اسرائیل به ترکیه مذاکره کنند.

البته آن‌ها با محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نیز دیدار کردند و گفتند ترکیه به حمایت خود از مردم فلسطین در چارچوب رامحل دو کشور برای دو ملت ادامه خواهد داد. اخیراً اردوغان نیز از سفر قریب‌الوقوع رئیس‌جمهور اسرائیل به ترکیه خبر داد و گفت این سفر می‌تواند فصلی جدید در روابط اسرائیل و ترکیه باز کند.

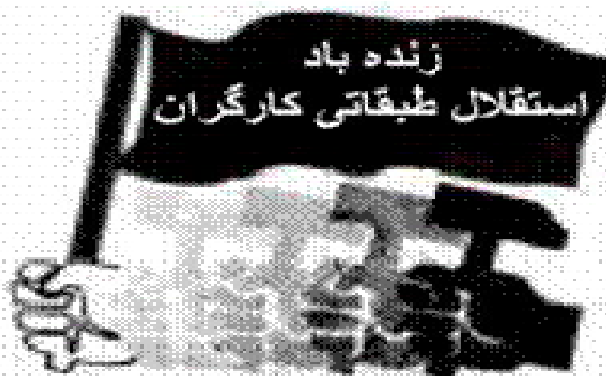
بنابراین درحالی‌که مناسبات جمهوری اسلامی ایران تقریباً با عموم کشورهای هم‌مرز و منطقه خاورمیانه متنسج و بحرانی است، اسرائیل از این تنش‌ها به نفع تقویت مواضع خود بهره گرفته است. اما گذشته از این‌که پی آمد این تحولات هم اکنون به افراد و انزوا هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه و نیز قفقاز جنوبی منجر شده، نتایج دیگری هم در پی داشته که مهم‌ترین آن تأثیراتی است که این تحول اوضاع سیاسی بر مسئله فلسطین گذاشته است. یکی از مسائل مهم خاورمیانه در چندین دهه

گذشته که همچنان لاینحل مانده است، نزاع فلسطین و اسرائیل، سرنوشت مردم تحت ستم فلسطین و عدم اجرای مصوبات شورای امنیت سازمان ملل توسط رژیم اشغالگر اسرائیل بوده است که به اشکال مختلف بر اوضاع سیاسی خاورمیانه تأثیر گذاشته و یا از آن تأثیر پذیرفته است. بدیهی است که تحولات سیاسی کنونی منطقه نیز بر آن تأثیر منفی بگذارد. اما تنها اوضاع سیاسی کنونی نیست که بر تضعیف موقعیت فلسطین تأثیر گذاشته است. یک عامل مهم که باعث تضعیف جنبش مردم فلسطین، ادامه اشغالگری اسرائیل و لاینحل ماندن این مسئله شده است، نقش مخرب جمهوری اسلامی ایران در این میان بوده است. جمهوری اسلامی به‌رغم ادعاهای قلبی در مورد حمایت از مردم فلسطین نه‌فقط از درون به جنبش مردم فلسطین و خواسته‌های آن‌ها لطمه وارد آورده، بلکه با سیاست‌های ارتجاعی پان اسلامیتی در سطح منطقه‌ای، آن را تضعیف کرده است. جمهوری اسلامی از لحظه‌ای که در ایران به قدرت رسید، با ایجاد و تقویت گروه‌های اسلام‌گرا امثال حماس و جهاد و تشدید منازعات درونی فلسطینی‌ها، این جنبش را تضعیف کرد. جمهوری اسلامی نقش مهمی در درگیری‌های درونی چند سال پیش میان فتح و حماس، به نفع حماس بر عهده گرفت. تا وقتی‌که در جنبش فلسطین، سازمان‌های چپ و لیبرال نقش تعیین‌کننده‌ای بر عهده داشتند، این جنبش در داخل و خارج سرزمین فلسطین، قدرتمند بود و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از حمایت وسیعی برخوردار بود. اما از وقتی‌که گروه‌های اسلام‌گرا نقش اصلی را در این جنبش به دست آوردند نعتنهای این جنبش از درون تضعیف گردید، بلکه تدریجاً حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را نیز از دست داد. این سیاستی بود که بیشترین نفع را برای اسرائیل داشت. بی‌دلیل نبود که اسرائیل در آغاز شکل‌گیری گروه حماس از آن به‌عنوان اهرمی برای تضعیف جنبش آزادی‌بخش فلسطین به‌ویژه سازمان‌های چپ استفاده کرد. این تقویت گروه‌های اسلام‌گرا در فلسطین، منجر به کاهش حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از این جنبش

گردید. چراکه گرچه مردم کشورهای دیگر در سراسر جهان از پایان یافتن اشغالگری اسرائیل و تشکیل دولت فلسطین حمایت می‌کردند، اما مخالف گروه‌های اسلام‌گرا بودند که خواهان ایجاد یک دولت اسلام‌گرا در فلسطین هستند. همین مسئله در مورد برخورد مردم ایران نسبت به جنبش مردم فلسطین نیز دیده می‌شود. اگر مردم ایران به اشکال مختلف مخالفت خود را با کمک‌های جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند، از این زاویه است که این کمک‌ها به گروه‌های اسلام‌گرائی می‌شود که هدف آن‌ها نه در خدمت حل مسئله فلسطین، بلکه تقویت ارتجاع مذهبی است.

در همین حال همان‌گونه که پیش‌ازین دیدیم، سیاست‌های توسعه‌طلبانه جمهوری اسلامی و دخالت در کشورهای دیگر منطقه نیز عامل دیگری برای تقویت اسرائیل و گرایش به‌ویژه دولت‌های عربی حاشیه خلیج‌فارس به اتحاد با اسرائیل برای مقابله با رژیم حاکم بر ایران بوده است. تا پیش از تحولات سیاسی اخیر، کشورهایی که اکنون مناسبات رسمی با اسرائیل برقرار کرده‌اند، مناسبات رسمی با اسرائیل را مشروط به حل مسئله فلسطین کرده بودند و لاقلاً از نظر سیاسی حامی مردم فلسطین، بودند. اما سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تهدیدات جمهوری اسلامی علیه کشورهای دیگر، به‌ویژه امیرنشین‌های خلیج‌فارس که قدرت مقابله با جمهوری اسلامی را نداشتند، باعث گردید که آن‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی مناسبات رسمی با اسرائیل برقرار کنند و مسئله فلسطین به حاشیه رانده شود و تضعیف گردد. بنابراین روشن است که سیاست‌های جمهوری اسلامی از این بابت نیز نقش مهمی در تضعیف جنبش مردم تحت ستم فلسطین و تقویت مواضع ضد فلسطینی رژیم اسرائیل ایفا کرده است.

با این همه باید گفت که اوضاع سیاسی کنونی نیز پایدار نیست. گرچه سلطه گروه‌های اسلام‌گرا و سیاست‌های ارتجاعی و توسعه‌طلبانه جمهوری اسلامی در کنار سرکوبگری رژیم اشغالگر اسرائیل، جنبش مردم فلسطین را تضعیف کرده است، اما همان‌گونه که تجربه تمام دوران نزاع میان اسرائیل و فلسطین نشان داده است، مادام که این مسئله حل نشود، اسرائیل از سرکوب مردم فلسطین دست برندارد، سرزمین‌های اشغالی را تخلیه نکند و فلسطینیان یک دولت مستقل تشکیل ندهند، این نزاع پایان نخواهد یافت.



از سرهمبندی رتبه‌بندی تا ذبح آن در سلاخی رئیسی



ماه بعد (۵ مرداد ۱۴۰۰) نوبخت رئیس سازمان برنامه‌بودجه گفت: در صورتی که لایحه رتبه‌بندی در مجلس به تصویب برسد، اجرای آن از طرف دولت امکان‌پذیر است. وی مسئولیت تأمین بودجه این طرح را نیز بر عهده گرفت. البته کابینه روحانی که طی ۸ سال ریاست جمهوری وی حتی یک گام کوچک در این راستا برنداشته بود، با این حرافی‌ها، در واقع توپ را به زمین جناح رقیب انداخت. تنها ۴ روز بعد از این وعده، محمد رضا احمدی دبیر کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس گفت: نوبخت خلف وعده کرده و قرار نیست بودجه ۶۰ هزار میلیارد تومانی را تأمین کند. ابراهیم رئیسی سلاخ و گماشته‌های او که با وعده‌های زیادی رئیس‌جمهور شد، نخست سعی کرد اجرای رتبه‌بندی معلمان را در پشت ابراهیم و پاس‌کاری میان اعضای مجلس و کابینه معطل و معلمان را سرگردان کند. رحیم زارع رئیس کمیسیون تلفیق مجلس در ۳۱ شهریور گفت برای اجرای این طرح ۶۰ هزار میلیارد تومان نیاز است. در مهرماه اما این وعده‌ها، هم در زمینه بودجه لازم برای اختصاص به این طرح و هم، زمان اجرای آن دچار تغییر شد. در صحبت مقامات دولتی و نمایندگان مجلس بودجه لازم از ۶۰ هزار میلیارد به ۳۰ هزار میلیارد تومان کاهش یافت و زمان اجرای آن نیز به اول مهر انتقال یافت. منادی رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری اعلام کرد: منبع کافی در بودجه ۱۴۰۰ برای این طرح وجود دارد و رتبه‌بندی در شش ماه دوم سال (۱۴۰۰) قطعاً اجرا می‌شود. در تاریخ ۹ آبان ۱۴۰۰ حسینعلی حاجی‌دلگانی عضو هیئت‌رئیس مجلس و منادی رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری در موافقت دولت با ۲۵ هزار میلیارد تومان جهت رتبه‌بندی معلمان برای شش ماه دوم خیر دادند و وعده دادند که این موضوع حداکثر ظرف ۴۵ روز نهایی می‌شود.

تا اینجای قضیه اولاً بودجه مربوط به اجرای رتبه‌بندی از ۶۰ هزار میلیارد تومان به ۲۵ هزار میلیارد تومان کاهش یافته و زمان اجرا نیز از اول سال ۱۴۰۰ به اول مهر ۱۴۰۰ تبدیل شده است. اما این هنوز تمام ماجرا و تمام وعده‌ها و فریب‌ها نبود.

با آمدن وزیر جدید آموزش و پرورش، رقم ۲۵ هزار میلیاردی که برای نیمه دوم سال جاری در نظر گرفته شده بود ناگهان به نصف تقلیل یافت. محسن زنگنه عضو کمیسیون برنامه‌بودجه در

اجرای کامل طرح رتبه‌بندی معلمان و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، اما دولت جمهوری اسلامی و وزارت آموزش و پرورش آن، جز وعده توخالی و برخوردی به‌غایت ریاکارانه، چیز دیگری تحویل معلمان نداده‌اند. اجرای طرح رتبه‌بندی بیش از ۱۰ سال به تعویق افتاده و در تمام طول این سال‌ها، این خواست برحق معلمان بدون پاسخ مانده است. مطابق "برنامه ششم توسعه" دولت مکلف شده بود از ابتدای سال ۹۶ رتبه‌بندی معلمان را اجرا کند که چنین نشد. دولت این موضوع را پشت گوش انداخت. در آخرین ماه‌های باقی‌مانده ریاست جمهوری حسن روحانی، این طرح به مجلس ارائه شد و سرگردانی سال‌های قبل‌تر، ادامه یافت.

طرح رتبه‌بندی از اوایل سال جاری تاکنون فراز و فرودهای زیادی را پیمود اما سرانجام در بن‌بستی کامل و محاق ابهام فرورفت. مرور کوتاه مواضع و سخنان مقامات دولتی حول این خواست معلمان نشان‌دهنده این واقعیت است که مجلس، کابینه رئیسی، شورای نگهبان و کل دولت حاکم تا چه اندازه به فریب و ریاکاری متوسل شده و دروغ تحویل معلمان داده‌اند. آنان چشم در چشم معلمان دروغ گفتند و به صداها هزار فرهنگی در سراسر کشور دهن‌کجی کردند.

دو موضوع بسیار مهمی که از آغاز در بحث‌های مطرح‌شده و سخنان مقامات دولتی عنوان شده یکی منبع تأمین اعتبار و میزان بودجه برای اجرای طرح رتبه‌بندی و دوم زمان اجرای



این طرح بوده است. ابهام و ناروشی و تناقض‌گویی در این هردو زمینه از همان آغاز تا همین ماه پایانی سال، گویای این واقعیت است که دولت ارتجاعی حاکم، خواست‌ها و عواطف و مبارزات معلمان را سرسری گرفته، با آن بازی کرده و در نهایت تیر خلاص را بر شقیقه این طرح که از روز اول هم اراده‌ای برای اجرای آن در هر حد و اندازه وجود نداشت شلیک نموده است.

اواخر فروردین سال جاری، حاجی میرزایی وزیر آموزش و پرورش وقت، اعلام کرد؛ در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ اعتبار لازم برای اجرای رتبه‌بندی پیش‌بینی شده است و زمان اجرای این قانون هر زمان که به تصویب برسد، از اول فروردین ۱۴۰۰ محاسبه خواهد شد. چند

معلمان مقابل مجلس تجمع کردند. این تجمع سراسری در بیش از ۱۰۰ شهر برگزار شد. پیش از برگزاری تجمع، صدها فعال صنفی معلمان به مراکز امنیتی احضار شده و مورد تهدید قرار گرفته بودند. احضار و بازداشت و ارباب و مجموعه اقداماتی چون پرونده‌سازی، تهدید تلفنی و ارسال پیامک برای ترساندن معلمان و عدم حضور آنان در خیابان و صف اعتراض، نه فقط خللی در اراده معلمان برای ادامه مبارزه ایجاد نکرده است بلکه تجمعات و اعتصابات سراسری معلمان روزبه‌روز گسترش بیشتری یافته و معلمان شهرهای جدیدی به اعتراض پیوسته‌اند.



نیروهای سرکوبگر رژیم این بار نیز در چند شهر به صفوف معلمان حمله‌ور شدند. در کرج مزدوران حکومتی صفوف معلمان را وحشیانه مورد پورش قرار دادند. تعدادی از معلمان مورد ضرب و شتم واقع‌شده و بیش از ۱۵ تن از اعتراض‌کنندگان بازداشت شدند. بازداشت و اعمال خشونت علیه معلمان در لرستان و برخی استان‌های دیگر نیز پاسخ دولت به معلمان بود. اما همان‌گونه که به تجربه ثابت شده است، هیچ‌یک از این اقدامات نتوانسته سدی در برابر مبارزات معلمان ایجاد کند. در فاصله ۵ ماهی که از آغاز سال تحصیلی می‌گذرد، این هفتمین تجمع و اعتراض سراسری معلمان است و به‌رغم تشدید سرکوب و بازداشت و به زندان افکندن تعداد زیادی از معلمان مبارز و آگاه، به دنبال هر فراخوان شورای هماهنگی، هر بار تعداد بیشتری از شهرها و معلمان به‌صفت اعتصاب و تجمع و اعتراض خیابانی پیوسته‌اند. افزون بر این، تشکل‌های مستقل جدیدی در برخی شهرها و استان‌هایی که فاقد تشکل بودند به وجود آمده و به شورای هماهنگی پیوسته‌اند. تردیدی در این مسئله وجود ندارد که اگر دولت همچنان به دهن‌کجی علیه معلمان ادامه دهد، اگر مطالبات صدها هزار معلم که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند، برآورده نشود، همان‌گونه که شورای هماهنگی نیز در قطعنامه پایانی تجمع شنبه ۳۰ بهمن یادآوری نموده است، معلمان نیز به مبارزات و اعتراضات خویش در اشکال گوناگون و ابعادی گسترده‌تر ادامه خواهند داد.

علی‌رغم تجمعات و اعتصابات معلمان در چندین نوبت و درصدها شهر و منطقه و روستا در سرتاسر کشور حول چند خواست اصلی به‌ویژه

از سرهمبندی رتبه‌بندی تا ذبح آن در سلاخی رئیسی



بسیج کنند و به صحنه مبارزه بگشایند و مبارزات خود را تشدید کنند. مبارزات یک سال اخیر معلمان و کم و کیف حضور معلمان در تجمعات و اعتصابات سراسری نیز تأییدکننده همین روند است. همین روند را با جدیت و پشتکار بیشتری باید دنبال کرد. حمایت از انواع معلمان غیررسمی در مواضع و بیانه‌ها و قطعنامه‌های رسمی شورای هماهنگی به‌درستی پررنگ‌تر شده است. تلاش برای جلب حمایت دانش‌آموزان و والدین آن‌ها نیز بیشتر شده است. کوشش‌های زیادی برای جلب حمایت کارگران و بازنشستگان و تشکل‌های مستقل آن‌ها نیز به‌عمل آمده است. گرچه همه این پدیده‌ها مثبت و ضروری بوده‌اند و هستند اما در این زمینه‌ها هنوز باید کار بیشتری انجام شود. شعارها و خواست‌های برخاسته از دل مبارزات معلمان، حفظ استقلال تشکل‌های مستقل معلمان به‌ویژه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان همگی نشان‌دهنده رشد آگاهی و تکامل مبارزات معلمان و تشکل‌های مستقل آنان است. شورای هماهنگی در قطعنامه پایانی تجمع روز شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۰ بار دیگر هشدار داد: «اگر قانون مدیریت خدمات کشوری و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان اجرا نگردد، اگر لایحه رتبه‌بندی مطابق با خواسته اکثریت معلمان در سال ۱۴۰۰ عملیاتی نشود و بودجه آن برای سال آینده مشخص و معین نگردد، اگر دولت و مجلس به دنبال برنامه‌های غارت‌گرانه برای صندوق ذخیره فرهنگیان باشند و مالکیت معلمان به صندوق را نپذیرند، اگر امنیت شغلی نیروهای غیررسمی، خرید خدماتی و خدمتگزاران تأمین نگردد و پاداش بازنشستگان ۱۴۰۰ پرداخت نشود، اگر همچنان سیاست‌های پولی سازی ادامه یابد و دست حاکمیت در جیب والدین دانش‌آموزان باشد و حقوق دانش‌آموزان تأمین نگردد، اگر معلمان زندانی آزاد نشده و معلمان اخراجی بر سرکار خود برنگردند و احکام صادرشده علیه معلمان لغو نگردد و احضار فعالان صنفی و پرونده‌سازی‌ها ادامه داشته باشد، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعتراضات خود را به اشکال متفاوت و گسترده‌تر ادامه خواهد داد.»

بدین اعتبار از روز هم روشن‌تر است که سرهمبندی کنندگان طرح رتبه‌بندی و ذبح کنندگان آن، باید منتظر امواج بلندتری از اعتراضات خیابانی و اعتصابات سراسری معلمان باشند. بر یکی از پلاکاردهای تجمع معلمان در روز شنبه ۳۰ بهمن نوشته شده بود: «رئیس، قالیباف این آخرین پیام است، نهضت فرهنگیان آماده قیام است.»

آموزش‌وپرورش پرونده اجرای طرح رتبه‌بندی در سال جاری را می‌بست، از مجلس حرف‌های متناقضی شنیده می‌شد. کمیسیون تلفیق مجلس اعلام کرد اعتبار ۲۵ هزار میلیارد تومانی برای اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان در سال ۱۴۰۱ به ۴۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. پوشیده نبود که این وعده قلابی اساساً برای فریب و خاموشی معلمانی عنوان می‌شد که حضور متشکل آن‌ها در کف خیابان در دل حکومتی‌ها هراس انداخته بود.

مدت‌زمان زیادی نگذشت که تصمیم دولت " به نفع معلمان" اعلام شد. رئیسی سلاخ در نامه‌ای به قالیباف رئیس مجلس آخرین تیر را بر شقیقه طرح رتبه‌بندی شلیک کرد. ابراهیم رئیسی در نامه رسمی مورخ ۲۳ بهمن به قالیباف اعلام کرد، به علت کسری بودجه و عدم پیش‌بینی منابع در قانون بودجه ۱۴۰۰ برای اجرای لایحه رتبه‌بندی معلمان، جلسه هیئت دولت موضوع را بررسی و با آن مخالفت کرد. بدین ترتیب رئیسی هرگونه احتمال اجرای رتبه‌بندی با هر میزان بودجه اختصاصی در سال جاری را به‌کلی منقذی اعلام کرد و به هرگونه سؤال و ابهامی در این مورد پایان داد.

بی‌اعتنایی به خواست‌های معلمان زحمتکش و یک سال مبارزه فشرده آن‌ها بدون شک بی‌پاسخ نخواهد ماند. تبنانی و بندوبست آشکار کابینه



رئیس با مجلس و شورای نگهبان علیه معلمان و حقوق آن‌ها یکبار دیگر ثابت کرد که این ارگان‌ها نیز نه با معلم که علیه معلمانند. اجرای طرح رتبه‌بندی نه‌فقط برای سال جاری به‌کلی منقذی شد، بلکه ابهامات فراوانی در مورد اجرای آن در سال آینده (۱۴۰۱) نیز وجود دارد به‌نحوی‌که هنوز حتی بودجه‌ای برای اجرای آن اختصاص نیافته است. وعده‌های قلابی و توخالی، دروغ و نیرنگ و ریاکاری مقامات و ارگان‌های دولتی معلمان را بیش‌ازپیش خشمگین ساخته است. شعار همیشگی آنان " هر وعده که دادند به ما باد هوا بود- هر نکته که گفتند غلط بود و ریا بود" یکبار دیگر صحت خود را به اثبات رساند.

اگر سرکوب و بازداشت و اعمال قهر و خشونت علیه معلمان را که پیوسته فزونی یافته به موارد فوق اضافه کنیم به‌خوبی درمیابیم که هیچ راهی پیش پای معلمان و تشکل‌های مستقل آن‌ها باقی نمانده است جز اینکه توده بیشتری از معلمان را

تاریخ سوم بهمن اعلام کرد؛ درحال حاضر برای اجرای طرح رتبه‌بندی در سال ۱۴۰۰ اعتباری بالغ‌بر ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان در قانون بودجه از ابتدای مهر تا پایان سال مشخص شده است. وی اضافه کرد که برای اجرای طرح رتبه‌بندی در لایحه بودجه سال آینده اعتباری بالغ‌بر ۲۵ هزار میلیارد تعیین شده است. در همین حال رضا حاجی پور سخنگوی کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس اعلام کرد لایحه رتبه‌بندی علی‌رغم فرازوفرودهای فراوان



به‌زودی در مسیر اجرا قرار خواهد گرفت. وی گفت برای حل این مشکل، کمیته‌ای در بطن کمیسیون آموزش مجلس تشکیل شده و جلسات متعددی را با وزارت آموزش‌وپرورش و سایر نهادهای مسئول برگزار نموده است. او همچنین گفت: برخلاف دولت قبلی که حتی بودجه لازم را برای اجرای این قانون تخصیص نداد، دولت جدید با تخصیص ۱۲/۵ هزار میلیارد تومان برای ۶ ماهه سال جاری و ۲۵ هزار میلیارد تومان برای سال ۱۴۰۱، نشان داده که برای پاسخگویی به مطالبات معلمان جدی است و سرانجام از "بهترین تصمیم به نفع معلمان" خبر داد و چنین گفت: خوشبختانه بعد از بحث و تبادل‌نظرهای فراوان، دولت نیز آماده همکاری و مساعدت برای اجرای رتبه‌بندی است. بعد از جلساتی که میان نمایندگان کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، دیوان محاسبات، سازمان امور اداری و استخدامی، سازمان برنامه‌وبودجه، وزارت آموزش‌وپرورش و شورای نگهبان درحال برگزاری است به‌زودی بهترین تصمیم به نفع معلمان اتخاذ خواهد شد.

درست در بحبوحه همین وعده‌ها، یوسف نوری وزیر آموزش‌وپرورش در کمال وقاحت و گستاخانه ضمن تهدید و ارباب معلمان اعلام کرد، رتبه‌بندی معلمان برای سال آینده بوده است. رئیس آموزش‌وپرورش نه‌فقط با معلمان و مطالبات آن‌ها غریبه و مخالف بود، بلکه علیه تجمعات مسالمت‌آمیز و اعتراضات معلمان نیز هشدار داد. به گفته موسوی نایب‌رئیس کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس، در جلسه‌ای که در این کمیسیون برای رسیدگی به لایحه رتبه‌بندی و رفع ابهامات شورای نگهبان برگزار شد و یوسف نوری وزیر آموزش‌وپرورش به‌عنوان مهمان اصلی به این جلسه دعوت شده و حضور وی الزامی بود، اساساً در این جلسه شرکت نکرد. بدین ترتیب درحالی‌که وزیر

برخورداری از مسکن مناسب حق همگان است

یک چهارم جمعیت ایران در حاشیه زندگی می‌کند. او همچنین با بیان این‌که "تورم اجاره بهای مسکن ۵۰ درصد است و میزان ساخت واحد مسکونی از ۹۰۰ هزار در دهه ۸۰ به کمتر از ۲۰۰ هزار واحد شهری و روستایی رسیده است"، گفت: "طبق آمار سرشماری سال ۹۵ شش و نیم میلیون خانوار مستاجر داریم".

البته آمارهای متفاوتی از جمعیت حاشیه‌نشین، تعداد خانوارهای مستاجر و نیز تورم بخش مسکن از سوی مراکز آماري دولتي و يا مقامات حکومت منتشر شده است. حتا خود وی نیز ۹ آبان تعداد خانوارهای اجاره‌نشین در سال ۹۵ را بیش از ۶ میلیون و ۷۵۰ هزار خانوار اعلام کرده بود. به‌گفته‌ی محمودزاده معاون وزیر راه و شهرسازی در کابینه روحانی حدود ۸ میلیون و پانصد هزار خانوار مستاجر در کشور وجود دارد (۵ تیرماه ۱۴۰۰).

کیانپور عضو کمیسیون عمران مجلس اسلامی نیز اخیراً در گفتگو با خبرگزاری "تسنیم" وابسته به سپاه پاسداران خانوارهای اجاره‌نشین را ۳۷ درصد اعلام کرده بود. نکته مهم این است که در اثر گسترش فقر و ناچیزتر شدن دستمزد و حقوق کارگران و زحمتکشان، سال به سال هم بر تعداد مستاجران افزوده می‌شود، هم بر تعداد حاشیه‌نشینان و هم بر تعداد بدمسکنان در محدوده‌ی شهر و روستا.

به‌گزارش خبرگزاری دولتي ايرنا در حالي که در سال ۹۸ در شهر تهران ۴۲ درصد مردم مستاجر بودند، در سال ۱۴۰۰ یعنی طی تنها دو سال تعداد مستاجران از تعداد مالکان بیشتر شده و به بالای ۵۰ درصد رسیده است. براساس آمارهای رسمي جمعیت مستاجران از سال ۶۵ تاکنون ۳ برابر شده است. در سال ۶۵ از کل جمعیت شهری و روستایی ۱۳ درصد مستاجر بوده‌اند که براساس آمار اخیر وزارت "راه و شهرسازی" امروز به حدود ۴۰ درصد رسیده است. براساس سرشماری سال ۹۵ جمعیت کشور توسط مرکز آمار جمهوری اسلامی، در این سال ۳۰٪ درصد از خانوارها اجاره‌نشین بودند که نسبت به سال ۹۰ بیانگر افزایش ۱/۴ درصدی است. موج شدید تورم و افزایش سرسام‌آور بهای مسکن و اجاره مسکن، گسترش فقر و کاهش قدرت خرید مردم باعث شده است که در سال‌های اخیر بر تعداد اجاره‌نشین‌ها با سرعتی بیش از گذشته افزوده شود. هم اکنون بهای مسکن به قدری افزایش یافته که خرید خانه برای جوانانی که در سال‌های

اخیر وارد بازار کار شده‌اند، به یک رویا بدل گشته است. رکود در بازار مسکن بیش از هر چیز به دلیل همین ناتوانی در خرید مسکن و در نتیجه کاهش تقاضا است. به گزارش خبرگزاری ايرنا تا قبل از سال ۹۲ سالانه بیش از ۶۰۰ هزار واحد مسکونی ساخته می‌شد که این رقم در سال‌های بعد کاهش یافته و به ۳۵۰ هزار واحد رسیده است.

افزایش تعداد اجاره‌نشینان در سال‌های اخیر همراه با افزایش شدید سهم مسکن در سبد هزینه‌های خانوار بوده است. تنها در سال گذشته میزان اجاره بها در تهران ۵۱/۲ درصد و در کل کشور ۵۴/۲ درصد افزایش داشته است. این افزایش اجاره بها در حالی‌ست که کابینه روحانی با صدور بخشنامه‌ای حداکثر افزایش بها را ۲۵ درصد در تهران، ۲۰ درصد در شهرهای بزرگ و ۱۵ درصد در دیگر شهرها اعلام کرده بود، اما به اعتراف خبرگزاری ايرنا در برخی از موارد صاحب‌خانه‌ها میزان اجاره را تا ۱۰۰ درصد افزایش داده‌اند.

طبق گزارش‌های مرکز آمار، سال ۹۰ هزینه مسکن یک خانوار شهری ۳۳/۴ درصد از سبد هزینه‌های یک خانوار بوده که در سال ۹۹ به ۴۷ درصد و در سال ۱۴۰۰ به ۶۰ درصد رسیده است. به‌گزارش روزنامه همشهری (۷ آذر ۱۴۰۰) در حالی که میانگین سهم هزینه مسکن در سبد هزینه‌های یک خانوار در جهان به‌طور متوسط ۱۸ درصد برآورد می‌شود، در ایران سهم هزینه مسکن در سبد خانوارهای شهری به ۶۰ تا ۷۰ درصد رسیده است. به گزارش این روزنامه سهم هزینه مسکن برای یک خانوار شهری معادل دستمزد ۱۶ ساعت کار روزانه است، به عبارت دیگر یک سرپرست خانوار ماهانه باید معادل دو برابر حداقل دستمزد مصوب قانون کار را برای تأمین مسکن هزینه کند.

روزنامه "دنیای اقتصاد" نیز در گزارشی به تاریخ ۲۱ آذرماه با بیان این‌که "هزینه اجاره به ابرهزینه بودجه خانوار تبدیل شده" نوشت: "سهم مسکن در سبد هزینه‌های مصرفی خانوارهای ایرانی به رقم بی‌سابقه‌ای رسید". به گزارش این روزنامه در سال ۸۴ سهم هزینه مسکن در سبد هزینه‌های خانوار ۲۸ درصد بود که در سال ۹۰ به ۳۳ درصد، در سال ۹۵ به ۳۴ درصد و بالاخره در سال ۹۹ به ۴۳ درصد افزایش یافت. به گزارش این روزنامه "در تهران اجاره‌بها بیش از ۶۰ درصد هزینه خانوارها را می‌بلعد" و "جمعیت زیرخط فقر

مسکن در شهرهای ایران طی سال ۹۸ به بیش از ۴ دهک رسید".

به همی این موارد باید این موضوع را نیز اضافه کرد که افزایش سرسام‌آور بهای اجاره، بسیاری از خانوارها را مجبور به اجاره خانه‌هایی کوچک‌تر، قدیمی‌تر، با امکانات کمتر و یا پناه بردن به حاشیه شهرها کرده است.

به‌گفته‌ی محبوب‌فر عضو انجمن آمایش سرزمین ایران (۴ خرداد ۹۹) "در سال ۹۶ حدود ۴۰ درصد از جمعیت شهری ایران حاشیه‌نشین و بدمسکن بودند اما امروز پس از ۳ سال همزمان با تورم و گرانی در بخش مسکن، افزایش اجاره بها و غیره، میزان حاشیه‌نیشینی در کشور به ۴۵ درصد رسیده است. اگر این ۴۵ درصد را نسبت به جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران حساب کنیم، امروز بیش از ۳۸ میلیون نفر حاشیه‌نشین و بد مسکن هستند. در سال ۹۷ حدود ۱۹ میلیون نفر از ایرانیان در سه هزار منطقه حاشیه‌نیشینی سکونت داشتند، اما امروز بعد از دو سال همزمان با تشدید بحران‌های مالی و اقتصادی در کشور، این جمعیت به ۳۸ میلیون نفر رسیده که این خبر از وقوع نابرابری‌های اجتماعی و تبعیض در داخل سیستم اقتصادی کشور می‌دهد". به‌گفته‌ی وی ۲۰ درصد از حاشیه‌نشینان یعنی ۷ میلیون و ششصد هزار نفر در حاشیه گورستان‌ها زندگی می‌کنند.

ابوالفضل ابوترابی عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس اسلامی، ضمن تأیید وجود ۳۸ میلیون حاشیه‌نشین مدعی می‌شود که برخی از حاشیه‌نشین‌ها از امکانات شهری برخوردارند!! براساس برخی آمارهای دولتي تنها در حاشیه شهر تهران ۴ میلیون نفر زندگی می‌کنند و بیش از ۳۰ درصد از مردم استان تهران حاشیه‌نشین هستند. سیستان و بلوچستان یکی از استان‌هایی‌ست که میزان حاشیه‌نیشینی نسبت به جمعیت استان بسیار بالا است. تنها در ۴ شهر این استان بیش از یک میلیون نفر حاشیه‌نشین هستند. ۶۳ درصد از جمعیت چابهار و نیمی از جمعیت زاهدان مرکز استان، در حاشیه شهر و یا سکونت‌گاه‌های غیررسمی نابسامان زندگی می‌کنند.

استان خراسان (رضوی) یکی از استان‌ها با جمعیت بسیار زیاد حاشیه‌نشین است. تنها شهر مشهد یک میلیون و ۳۰۰ هزار حاشیه‌نشین دارد. خوزستان نیز بعد از خراسان (رضوی) دومین استان از نظر وسعت سکونت‌گاه‌های غیر رسمی است و در مجموع ۸۵۰ هزار حاشیه‌نشین دارد. تنها جمعیت حاشیه‌نشین شهر اهواز بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود.

برخورداری از مسکن مناسب حق همگان است

باید توجه داشت که این آمارها، عموماً آمارهایی هستند که ارگان‌های دولتی یا مقامات دولتی بر زبان آورده‌اند و آمار واقعی می‌تواند از این هم بیشتر باشد. برای نمونه در حالی که آمارهای رسمی حکایت از سکونت ۷۰ هزار نفر در حاشیه شهر کرمان دارند، کارشناسان مستقل این رقم را دو برابر می‌دانند و حتی برخی معتقدند که تعداد حاشیه‌نشینان کرمان که از خدمات شهری بی‌بهره‌اند بیش از ۲۰۰ هزار نفر است.

حاشیه‌نشینی در تمامی استان‌های کشور وجود دارد و کم و بیش تمامی استان‌های کشور درگیر آن هستند. یک سوم جمعیت استان‌های البرز، و شهرهایی همچون همدان، قزوین، ارومیه، کرمانشاه و بجنورد حاشیه‌نشین هستند. جمعیت حاشیه‌نشین شهرهای یاسوج و بندرعباس حدود نیمی از جمعیت این شهرهاست. یک سوم جمعیت استان کردستان و نیمی از جمعیت شهرهای این استان حاشیه‌نشین هستند. جمعیت حاشیه‌نشین شهر اصفهان براساس آمارهای رسمی حدود ۵۰۰ هزار نفر است. جمعیت حاشیه‌نشین استان گلستان براساس اعلام استانداری در طول ۱۰ سال اخیر بیش از ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. تمامی شهرهای بزرگ کشور همچون تبریز و شیراز و حتی شهرهای متوسط و کوچک با مساله حاشیه‌نشینی بخشی از جمعیت شهری روبرو هستند.

ایران امروز نه تنها با معضل حاشیه‌نشینی و بد مسکنی روبروست بلکه بی‌خانمانی یکی دیگر از نتایج وضعیت کنونی مسکن است. کارتن خوابی اتوبوس خوابی، گورخوابی، پشت بام خوابی، کورخوابی و ماشین خوابی از دیگر مظاهر این وضعیت وخیم هستند و جمهوری اسلامی به عنوان دولت حاکم در ایران نه تنها هیچ اقدامی برای حل معضل مسکن انجام نداده و تمامی وعده‌هایش مانند دیگر وعده‌ها دروغ از آب درآمده‌اند، بلکه نتیجه حاکمیت جمهوری اسلامی در عمل چیزی نبوده است جز بزرگتر شدن معضل مسکن و محروم شدن بخش بسیار بزرگی از کارگران، معلمان، بازنشستگان و غیره از یک مسکن مناسب، یعنی از یکی از حقوق مسلم خود.

برای نمونه کابینه‌ی حسن روحانی وعده ساخت مسکن ملی را داد که ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر برای آن تقاضا دادند اما در عمل هیچ اقدامی صورت نگرفت. در رابطه با مسکن مهر نیز کابینه روحانی قرار بود ۴۰۰ هزار واحد مسکونی را آماده و تحویل متقاضیان کند که به اعتراف رسانه‌های دولتی با پایان کار کابینه روحانی این طرح تنها ۶ درصد پیشرفت فیزیکی داشت.

بی‌تفاوتی جمهوری اسلامی نسبت به سرنوشت بی‌مسکنان یک نمونه فاحش از بی‌مسئولیتی جمهوری اسلامی نسبت به حق هر انسان برای داشتن مسکن مناسب است. بی‌خانمانانی که از داشتن سرپناهی برای درمان ماندن از سرما و گرما محروم هستند.

روزنامه شهروند (۲۶ بهمن) در گزارشی از وجود تنها ۲۷۰۰ زن کارتن‌خواب در شهر اهواز خبر داده است، در شهری که برای این زنان درمانده و بی‌پناه تنها یک مرکز نگهداری آن‌ها با ۷ تخت وجود دارد و این بی‌خانمانان که مناسبات اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را به این ورطه کشانده است، مجبورند هم گرمای ۵۰ درجه اهواز را تحمل کنند و هم شب‌های سرد زمستانی را. البته این معضل مختص شهر اهواز نیست، در همه جا شاهد کارتن‌خواب‌ها و افزایش تعداد آن‌ها هستیم.

اما جمهوری اسلامی به جای حل معضل و کمک به این آسیب‌دیدگان که قربانی مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی حاکم شده‌اند، با "متجاهر" نامیدن آن‌ها، بی‌شرمانه از وظیفه‌ی خود شانه‌خالی می‌کند. قربانیان نظم حاکم به جای حمایت، روانه زندان و یا مراکزی می‌شوند که از زندان فقط نام زندان را کم دارند.

داشتن مسکن مناسب یک حق است، حق تمامی انسان‌ها و تامین مسکن مناسب برای

تمامی افراد جامعه یکی از وظایف دولت است. اما جمهوری اسلامی به موشک و برنامه اتمی و جنگ و خونریزی علاقه‌ی بیشتری دارد، جمهوری اسلامی برای بقا به مزدور مسلح و اطلاعاتی و مبلغان مذهبی احتیاج دارد و باید هزینه‌های این مزدوران مفت‌خور و شیاد را بدهد. مقامات دزد جمهوری اسلامی همچنین اشتباهی سیری‌ناپذیری در چپاول مردم و به جیب زدن ثروت آن‌ها را دارند. برای همین است که دیگر پولی برای امور که به مردم مربوط است همچون تامین مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و دیگر نیازهای انسانی باقی نمی‌ماند و تمامی حقایق و وقایع این سال‌ها نشان می‌دهد که سال از پی سال بدتر خواهد شد.

تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سریر قدرت است این وضعیت ادامه خواهد داشت. تنها با برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان می‌توان به تحقق حق هر انسانی برای داشتن مسکنی مناسب تحقق بخشید. از جمله وظایف حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان این است که با اجرای یک برنامه همه جانبه و طولانی مدت برای تولید انبوه مسکن، نیاز به مسکن تمامی آحاد جامعه را برطرف سازد. اما در عین حال و تا تحقق آن، حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان اجازه‌ها را متناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین خواهد کرد و به‌منظور کاهش هر چه بیشتر بار هزینه‌های مسکن، بخشی از هزینه مسکن کارگران و زحمتکشان، از سوی دولت به‌عنوان سوبسید پرداخت می‌شود.



کار - نان - آزادی حکومت شورایی

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

اعلامیه ی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

تبعیض جنسیتی و نابرابری هنوز سیمای نظم موجود جهان است! ستم بر زنان و اعمال ستم بر اساس جنسیت در زندگی فردی و اجتماعی، یک رکن اساسی نظام سرمایه داری است که نابرابری بنیادی در جامعه را باز تولید می کند. هر چند سرمایه داری مبتکر انقیاد زنان نیست و فرودستی زنان به شیوه های مختلف در تمام جوامع طبقاتی پیشین نیز وجود داشته است، اما سرمایه داری همواره ستم بر زنان و مردسالاری را به عناوین مختلف در جامعه باز تولید و تشدید می کند. اساس نظام و دنیای موجود را تبعیض و نابرابری، مالکیت خصوصی، بردگی مزدی و استثمار فرد از فرد تشکیل می دهد. این چهارچوب، منشأ نابرابری و تبعیض از جمله ستمگشی زن در محل کار و جامعه و قانون و تفکر حاکم است. مردسالاری، محصول فرهنگ و قوانین ناظر بر این نابرابری بنیادی است. علیرغم اینکه در بخشی از کشورهای پیشرفته تر جهان در قیاس با کشورهای استبداد زده در نتیجه مبارزات زنان و مبارزات کارگری و سوسیالیستی، تغییراتی در قوانین و تغییر نسبی در موقعیت زنان بوجود آمده است، اما تبعیض جنسیتی و ستم بر زنان در اکثر کشورهای جهان به شیوه ای زخمت نمایان است. هشت مارس خود محصول جنبش بین المللی سوسیالیستی طبقه کارگر و یک سنت مبارزاتی رادیکال زنان کارگر و کمونیستی است که هنوز در مقابل واپسگرایی بورژوازی مقاومت می کند و می جنگد.

امسال در شرایطی که پیشواز روز جهانی زن می رویم که بیش از دو سال از پاندمی کرونا می گذرد و بورژوازی جهانی علیرغم دسترسی انسان به امکانات و پیشرفت علم و تکنولوژی در مقابله با چنین مصائبی، بیش از هر دوره ای بی لیاقتی و ناتوانی خود را در اداره جامعه و حفظ سلامتی مردم نشان داده است. در جهانی که جان انسان بسادگی قربانی سود سرمایه می شود، ستم بر زنان نمی تواند ریشه کن شود. پاندمی کرونا و بحران سرمایه داری نه تنها بیکاری و فقر گسترده تری را به طبقه کارگر و مردم محروم جهان تحمیل کرد، بلکه فشار ناشی از این اوضاع به اعمال خشونت بیشتر علیه زنان و افزایش آزار جسمی و جنسی علیه آنان در خانواده و محل کار شده است.

اگر اعمال تبعیض جنسیتی و ستم بر زنان ضرورتی جهانی برای سود سرمایه است، این امر در کشورهای تحت حاکمیت رژیم های اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران در قالب یک سیستم آپارتاید جنسیتی تمام عیار عمل می کند. این رژیم با استفاده از مذهب به مثابه ابزار ایدئولوژیک و با بهره گیری از فرهنگ عقب افتاده مردسالارانه، تبعیض جنسیتی و خشونت بر زنان را قانونی و نهادینه کرده است و حقوق اولیه زنان نظیر حق تشکّل مستقل زنان، حق سقط جنین، حق طلاق، حق سرپرستی فرزندان، حق وراثت، حق مسافرت، حق انتخاب لباس، حق انتخاب رشته تحصیلی و ... از زنان رسماً سلب شده است. تفکیک جنسیتی در تمام ارکان جامعه و در مؤسسات آموزشی به یک اصل تبدیل شده است. رژیم در حالیکه به مردان حق چند همسری اعطا می کند، با ترویج فرهنگ مرد سالارانه و ارزش های پوسیده ارتجاعی مانند ناموس و غیرت به وقوع و افزایش خشونت و بربریت عریان همچون قتل های ناموسی - زن کشی، دامن می زند. کودک همسری یا تجاوز به کودکان را قانونی میکند و از سوی دیگر با رواج دادن صیغه به تن فروشی چهره ای قانونی می دهد.

اسلام سیاسی اکنون بعنوان یک جنبش ضد انسانی و زن ستیز فقط در ایران نیست که زندگی میلیون ها انسان را به تباهی کشانده است، بلکه در سایر کشورهای خاورمیانه و آفریقا نیز زندگی زنان را با مخاطرات جدی تری روبرو کرده است. به قدرت رساندن نیروهای مرتجع طالبان در پائیز ۲۰۲۱، عقب نشینی بزرگی را به مردم افغانستان، بویژه زنان تحمیل کرده است و بار دیگر هم سرنوشتی زنان را در ایران و افغانستان برای آزادی و برابری در مقابل با توحش اسلامی رایج هم گره زده است. با این همه و به رغم همه این فشار و تبعیض و سرکوب و بی حقوقی، جنبش رهایی و برابری طلبانه زنان در ایران هیچوقت متوقف نشد و اکنون به یکی از جنبش های رادیکال و قدرتمند بر علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده و در میان مردم ایران از پشتیبانی و محبوبیت بسیاری برخوردار است. دولت جمهوری اسلامی از پتانسیل قوی و رادیکال جنبش زنان به خوبی آگاه است و به همین دلیل از هر ابزاری برای سرکوب و عقب نشینی آنان و دستاوردهای شان استفاده می کند. اگر چه در تمامی سال های حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، مبارزات زنان آزاده ایران به اشکال مختلف تداوم داشته است، اما خیزش های انقلابی نیمه ۹۶ و آبان ۹۸ نشان داد که تغییر واقعی در موقعیت زنان در گرو پیشروی و عروج جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است.

از این رو، همانگونه که در بیانیه سیاسی مصوبه کنفرانس استکهلم "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" آمده است، جنبش رهایی زن تنها با گذر انقلابی از جمهوری اسلامی و در راستای یک افق سوسیالیستی، با شرکت فعال در یک جنبش سراسری و در همگامی با سایر جنبش های اجتماعی می تواند در موقعیت بهتری قرار گیرد. جنبشی که هر گونه ستم و تبعیض جنسیتی را مردود می شمارد و علیه هر گونه نابرابری و بی عدالتی مبارزه می کند. پوشیده نیست مبارزه برای رفع تبعیض جنسیتی نیز مانند هر جنبش مطالباتی دیگر نمی تواند با مبارزات سیاسی، اجتماعی و طبقاتی جاری در جامعه و سایر جنبش های رفع تبعیض و استثمار و ستم همسو نگردد. تنها در بهم پیوستگی تمامی جنبش های سیاسی و اجتماعی موجود است که افق های روشنی در برابر کلیت جامعه قرار می گیرد. روشن است عین این وضعیت برای زنان افغانستان نیز صادق است.

مقاومت قهرمانانه ی زنان افغانستان در تقابل با توحش اسلامی طالبان و علیه مداخلات دولت های امپریالیستی، نشان می دهد که جنبش آزادیخواهی زنان در خاورمیانه از جمله در ایران و افغانستان از ظرفیت بالایی برخوردار است و همراه با جنبش کارگری و دیگر جنبش های آزادیخواه با به میدان آمدن نیروی کارگران و زحمتکشان می تواند چشم انداز آینده ای روشن، آینده ای عاری از ستم و تبعیض و نابرابری را برای زنان امکان پذیر نماید. حضور زنان در صفوف اول تظاهرات و اعتراضات ماه های اخیر معلمان و دانشمندان، نشان از پتانسیل عظیم جنبش برابری طلبانه آنان برای رفع تبعیض و نابرابری در جامعه ایران است. هم اکنون، جامعه ی ایران آستان حوادث مهمی است و فعالین جنبش برابر طلبی زنان بدون شک در صف اول این مبارزات خواهند بود. در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن، همبستگی با مبارزات زنان در اقصی نقاط جهان به وظیفه اردوی سوسیالیستی و برابری طلبی در ایران و جهان تبدیل شده و ضرورت حمایت و پشتیبانی همه جانبه از این مبارزات را صد چندان ضروری کرده است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، همه ی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، همه احزاب و جریانهای چپ و کمونیست را در روز ۸ مارس به مبارزه ی پیگیر علیه جمهوری اسلامی و رفع تبعیض و نابرابری و یک رهایی سوسیالیستی فرا می خواند.

زنده باد جنبش برابری طلبانه و سوسیالیستی زنان!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

19 فوریه 2022—30 بهمن 1400

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.



اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست درباره تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱

مبارزه برای افزایش دستمزدها، امری است حیاتی و تعطیل ناپذیر!

«شورای عالی کار» متشکل از نمایندگان دولت، کارفرماها و عناصر وابسته به نهادهای حکومتی در تشکل‌های فرمایشی و ضد کارگری دست ساز رژیم، در دو ماهه پایانی هر سال بدون توجه به نیازها و مطالبات واقعی کارگران که در طول سال فریاد زده اند، رقمی را بر مبنای آنچه که به صلاح حاکمیت و به نفع مافیای قدرت و سرمایه داران است و قبلا حد و اندازه آن تعیین شده است، بعنوان حداقل دستمزد سال پیش رو اعلام میکنند. طبق تصمیم این ارگان ضد کارگری، تعیین این حداقل دستمزد بر مبنای نرخ تورم و سبب هزینه معیشت زندگی یک خانوار است. با محاسبه این دو عامل، سقف حداقل مزد ماهیانه کارگران حدود ۴/۵ میلیون تومان در نظر گرفته شده است که اگر مبلغی همچون حق مسکن، بن خوارو بار و پایه سنوات هم به آن اضافه شود نهایتاً در حدود ۵ میلیون تومان در ماه میشود. این در شرایطی است که خط فقر واقعی بیشتر از ۱۲ میلیون می باشد، ولی شورای عالی کار وقیحانه نرخی را که چند برابر زیر خط فقر میدانی است بعنوان خط فقر اعلام کرده است.

نرخ تورم در سال جاری طبق گفته بانک مرکزی بین ۴۰ تا ۴۵ درصد در نوسان بوده است و برای سال آینده نرخ تورمی ۵۰ درصدی احتمال می رود که با افزایش ۶۰ درصدی قیمت مواد خوراکی در کنار هزینه سرسام آور مسکن، این حداقل دستمزد که کمتر از یک دوم خط فقر ۱۲ میلیون تومانی است قادر نخواهد بود که حتی نصف هزینه های زندگی یک خانواده سه نفره را پوشش دهد.

بر اساس اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تا سال گذشته ۲۶ میلیون نفر از جمعیت ۸۴ میلیونی کشور در فقر مطلق زندگی میکردند، با توجه به خروج بیش از دو میلیون نفر از بازار کار بواسطه شیوع مجدد کرونا، برآورد میشود که جمعیت زیر فقر مطلق به ۳۰ الی ۳۵ میلیون نفر افزایش یابد. علاوه بر این گفته می شود که نزدیک به ۷ میلیون کارگر فاقد بیمه های اجتماعی و درمانی می باشند.

اخیراً محسن حاجی بابایی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی رژیم گفته است که حدود ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور نیاز به کمک فوری و آنی دارند.

با این حال افزایش دستمزد چندین برابر زیرخط فقر، که هر ساله توسط "شورای عالی کار" تعیین و اعلام می شود، در بهترین حالت تنها شامل بخش محدودی از کل شاغلین در بخش عمومی و خصوصی میشود. اکثریت عظیم کارگران کارگاه هائی که تعداد آنها نزدیک به یک میلیون است و صد ها هزار کارگر پاره وقت و زنان و کودکانی که به تولید خانگی محصولات فرعی و هزاران حاشیه نشین شهرها با دستمزد بسیار ناچیز مشغولند، از شمولیت همین "قانون کار" ضد کارگری، واز، حداقل دستمزد ناچیز نیز خارج هستند.

رژیم سرمایه داری اسلامی با تمام اهرم های حقوقی، قانونی و انتظامی اش و با تمام قوایش تلاش دارد هزینه سنگین تورم و اقتصاد ورشکسته اش را از سفره کارگران تامین کند تا سودآوری مافیای در قدرت و کارفرماهای دزد و فاسدش را همچنان محفوظ نگاه دارد.

اکنون که بسیاری از کارگران و زحمتکشان به اعتصاب، تظاهرات و اجتماعات اعتراضی مشغولند، بیش از هر زمانی به همبستگی و بسیج طبقاتی در صحنه نبرد نیاز هست. رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی ثابت کرده است که یار و غار سرمایه داران و دزدان است و برای حفظ سلطه این استثمارگران از هیچ جنایتی دریغ نخواهد کرد و تضمین کمترین مطالبه اقتصادی، فقط با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار دولتی کارگری شورایی متحقق خواهد شد.

تشکلات دست نشانده و سرسپرده رژیم هم نه نماینده کارگران بلکه کارچاق کن سرمایه داران و ابزار مهار جنبش انقلابی کارگران هستند. تا زمانیکه سرنوشت کار و زندگی کارگران بدست خود و نماینده های انتخابی شان رقم زده نشود، در بر همین پاشنه جرم و جنایت سرمایه داری اسلامی خواهد چرخید.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست همراه با طبقه کارگر تا تحقق رفاه و حاکمیت کارگران بر سرنوشت خویش و سرنگونی حاکمیت سرمایه علیه جمهوری اسلامی و قوانین ضد کارگری اش مبارزه می کند.

مبارزه برای افزایش دستمزد یکی از اولییه ترین و مهمترین و اساسی ترین مبارزه کارگران علیه سرمایه محسوب می شود و به هیچ وجه تعطیل بردار نبوده و نیست. ما ضمن حمایت از حداقل دستمزد ماهانه پیشنهادی در بیانیه تشکلات مستقل کارگری و بازنشستگان و معلمان و ... بر این نکته تاکید می کنیم که دستمزدها باید بر اساس ملزومات رفاه مکی در زندگی کارگری تعیین شود و صلاحیت تشخیص این تناسب تنها و تنها به عهده تشکل های مبارز و مستقل و سراسری کارگران است نه تشکل های دست ساز حاکمیت سرمایه دار یا تشکل های زرد.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

۱۴ فوریه ۲۰۲۲ - ۲۵ بهمن ۱۴۰۰

اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

تشدید بحران و شکاف در میان بالایی ها

[شرکت وابسته به هولدینگ یاس] بدهی، به پروژه ها داده ای. اصلاً پروژه ها مال [هولدینگ] یاس [وابسته به بنیاد تعاون سپاه] نیست. قالیباف گفت اسم این ها را نیار، ریخت بهم"

محمد علی جعفری، فرمانده وقت سپاه پاسداران نیز با تأیید این ماجرا می گوید، قالیباف به دلیل امضا نشدن همین تفاهم نامه "به شدت ناراحت است". می گفت اگر این تفاهم نامه امضا نشود "نمی دانم باید چه خاکی بر سر می کردیم." فرمانده وقت سپاه، در بخش دیگری می گوید، قاسم سلیمانی نیز "نسبت به برخورد شما [معاون اقتصادی سپاه] و حفاظت اطلاعات با [هولدینگ] یاس ناراحت بود. گفت پیش آقا هم رفتیم. گفت این نوع برخوردها... گفتیم قاسم، این حرف را به من نگو. آقای [مسعود] مهردادی این همه پول بیت المال را با دستورهای الکی حیف و میل کرده، نباید جوابگو باشد؟ حالیش کردم که اینطور نیست."

ماجرای دزدی و فساد و اختلاس در درون نهادهای حکومتی، امر دیروز و امروز و فردا نیست. و تا کنون، به دفعات هم ثابت شده که افشای اینگونه نوارهای محرمانه دزدی و فساد، هیچ تاثیری بر کاهش دزدی و اختلاس نداشته و هرگز پای سرداران فاسد سپاه پاسداران نیز به محاکم قضایی کشیده نشده و نخواهد شد.

فساد در جمهوری اسلامی امری نهادینه است و مجموعه ارکان نظام به کلی در فساد غوطه ورنند. در این میان اما آن دسته از نهادهای حکومتی که زیر نظر خامنه ای هستند، روشن است که دست شان برای دزدی و اختلاس بازتر است و صد البته در مجموعه نهادهای وابسته به رهبری، دستگاه قضایی و نیروی سپاه پاسداران از جمله فاسدترین نهادهای حکومتی هستند. لذا، انتشار این نوار صوتی محرمانه صرفاً به دلیل اینکه بخشی از دزدی ها و اختلاس های درون حکومت را افشا کرده است، امر تازه و مهمی نیست.

در سال ۹۷، به هنگام بررسی پرونده دزدی های مربوط به شهرداری تهران، قسمت هایی از این نوار محرمانه به طور سربسته در رسانه های داخلی مطرح شد. در آن زمان با حمایت خامنه ای و دست و دل بازی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، پرونده دزدی و اختلاس قالیباف از دور خارج شد و او بجای محاکمه و زندانی شدن ارتقا مقام یافت و یک سال بعد به ریاست مجلس ارتجاع منصوب شد.

آنچه اکنون به انتشار علنی این نوار صوتی محرمانه اهمیت بخشیده است، نه صرفاً افشای اختلاس ۸ هزار میلیارد تومانی صورت گرفته در بنیاد تعاون سپاه پاسداران، بلکه تأکید بر شرایط زمانی علنی شدن این نوار محرمانه است که مهم می باشد. شرایطی که هیئت حاکمه ایران با یکی از بحرانی ترین دوران حیات خود مواجه است.

بر کسی پوشیده نیست که مجموعه گفته های ثبت شده در این نوار صوتی، مربوط به یک جلسه محرمانه است که میان جمعی از بالاترین سرداران سپاه صورت گرفته و انتشار علنی آن

است که از دی ماه ۹۶ آغاز شد و در آبان ۹۸ اعتلای بیشتری یافت. گسترش مبارزات علنی معلمان در کف خیابان ها، برپایی یکشنبه های اعتراض توسط بازنشستگان تأمین اجتماعی، گسترش کمی و کیفی اعتصابات کارگران در کارخانه های مختلف، گسترش مبارزات دادخواهی خانواده های جان باختگان چهار دهه گذشته، مفتضح شدن رژیم در تمام زمینه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین شکست آشکار سیاست های آن در عرصه های داخلی و خارجی، تماماً شرایطی را در جامعه ایجاد کرده است که دیگر ادامه زندگی برای توده های مردم ایران به روال گذشته ناممکن و استمرار رژیم نیز به شیوه گذشته غیر ممکن شده است.

پوشیده نیست، وجود یک چنین شرایط انقلابی در جامعه، به همان نسبت که موجب تعالی مبارزات کارگران و توده های مردم ایران است، به همان نسبت بحران در میان بالایی ها را نیز تشدید خواهد کرد. انتشار علنی نوار صوتی جلسه محرمانه فرماندهان سپاه پاسداران، آنهم در این برهه زمانی، دقیقاً به معنای تشدید بحران در میان بالایی ها و شروع یک نزاع علنی در درون نهادهای حکومتی است. به خصوص که این نزاع و جنگ قدرت، اکنون در درون سپاه پاسداران به عنوان سرکوبگرترین نهاد حکومتی به بیرون درز پیدا کرده است. اهمیت علنی شدن این نوار صوتی محرمانه آنهم در این بازه زمانی، پیش از آنکه بیانگر گسترش دزدی و اختلاس و فساد در درون نهادهای حکومتی باشد، بیانگر رشد شکاف و از هم پاشیدگی درونی جمهوری اسلامی است، که اکنون به صورت جنگ قدرت در میان سرداران سپاه پاسداران نمایان شده است.

به رغم اینکه علی خامنه ای روز پنجشنبه ۲۸ بهمن، نسبت به انتشار این فایل صوتی واکنش نشان داد و با دفاع از پاکدستی نهاد منتصب به خود، مدعی شد که "دشمن برای دستکاری فکر مردم" به "لجن پراکنی علیه ارکان انقلاب" روی آورده است، اما با توجه به شرایط انقلابی موجود در جامعه و مجموعه واکنش های متفاوتی که بعد از انتشار این نوار صوتی در درون حاکمیت صورت گرفته است، جملگی نشان می دهند که این نزاع را نقطه پایانی نیست. به عبارت دیگر، آنچه اکنون شاهدش هستیم، تنها گوشه ای از یک نزاع درونی است که در درون نهادهای حکومتی ایجاد شده است و در آینده ای نه چندان دور بر بستر گسترش مبارزات مردم شاهد تعمیق اینگونه نزاع ها و تشدید جنگ قدرت در درون نهادهای حکومتی خواهیم بود.

به جز از طریق دسته بندی های درون سپاه ممکن نبوده و نیست. انتشار علنی این نوار در این برهه زمانی، که جامعه در تب و تاب یک تحول اجتماعی ست، بیانگر عمق شکاف و جنگ قدرت در میان بالایی ها است. اهمیت بروز نزاع و درگیری میان نهادهای حکومتی از آن جهت قابل تأمل است، که بروز این شکاف و درگیری، اکنون در درون سپاه پاسداران به عنوان یکی از سرکوبگرترین نهادهای حکومتی رخ داده است و این نشان دهنده عمق شکاف و از هم گسیختگی جمهوری اسلامی در این برهه زمانی است. این شکاف ناشی از شرایط عینی موجود در جامعه است که به تاسی از رشد و ارتقاء کمی و کیفی مبارزات کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان و سایر اقشار و لایه های مردم ایران تشدید شده و اکنون با افشای این نوار صوتی محرمانه، ابعاد وسیعتری به خود گرفته است.

پوشیده نیست، شرایط امروز جامعه، با سال های پیش از خیزش انقلابی توده های مردم ایران در دی ماه ۹۶ به کلی متفاوت است. در روزهای دی ماه ۹۶، با ورود علنی توده های وسیع مردم ایران به مبارزات خیابانی، جامعه وارد دوران نوینی شد. دورانی که توده های مردم ایران در ابعاد میلیونی به کف خیابان ها آمدند و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای و اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا، نشان دادند که خواستار سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی هستند. با شروع مبارزات علنی و خیابانی توده های مردم ایران، کلیت جامعه از اشکال مبارزات قانونی عبور کرد، جامعه از شرایط رکود و رخوت سیاسی خارج شد، عمده مبارزات مردم شکل فراقانونی گرفت و با ورود مردم به مبارزات خیابانی، دوران جدیدی به نام دوران انقلابی در جامعه ایجاد شد. با شکل گیری این دوران نوین انقلابی، اعتصابات در کارخانه ها گسترش یافت، مبارزات علنی توده های مردم در کف خیابان ها شتاب گرفت و به موازات گسترش اعتصابات و اعتراضات خیابانی توده های مردم ایران، بحران در بالایی ها نیز تشدید شد. با قیام شوهمند آبان ۹۸، دوران انقلابی اعتلای بیشتری یافت و شرایط جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی مهیاتر شد.

شرایطی را که اکنون کارگران و توده های مردم ایران در آن بسر می برند، ادامه همان شرایطی

زنده باد، همبستگی بین المللی کارگران

تشدید بحران و شکاف در میان بالایی ها

مسئول اطلاعات سپاه پاسداران در اختلاس های مورد نظر اشاره شده است.

در بخشی از این فایل محرمانه، صادق ذوالقدرنیا می گوید، مجد باقر قالیباف، شهردار وقت تهران، به شدت از برخورد با پرونده فساد مرتبط با شهرداری و بنیاد تعاون سپاه ناراحت بوده و پس از این که تیم آبرومند در بنیاد تعاون سپاه "هشت هزار میلیارد تومان" کم می آورند، قالیباف از او خواسته است که یک تفاهم نامه ۸ هزار میلیارد تومانی برای رفع و رجوع کردن ماجرا امضا کند.

تا همین جای قضیه به خوبی روشن است که امضای چنین "تفاهم نامه" های جعلی برای سرپوش گذاشتن بر دزدی ها و اختلاس های کلان صورت گرفته در درون نهادهای حکومتی،

تا چه حد مسبوق به سابقه بوده است که قالیباف با چنین آسودگی خیال از معاون وقت اقتصادی و سازندگی سپاه پاسداران می خواهد جهت رفع و رجوع کردن این اختلاس ۸ هزار میلیارد تومانی یک "تفاهم نامه" را برایش امضا کند.

برای روشن شدن قضیه بهتر است ماجرا را از زبان خود صادق ذوالقدرنیا بشنویم: "گفتم همه این کارها خلاف است. قالیباف آمد جلوی مسجدی که به خانه من و خودش نزدیک است و گفت این را امضا کن. گفتم این خلاف است. هم به ضرر تو است، هم به ضرر من است و هم به ضرر جعفری. من امضا نمی کنم. گفت جلسه بگذار. بعدا جلسه گذاشت. به قالیباف گفتم تو ۸ هزار میلیارد تومان پول را به جای اینکه به رسا

در صفحه ۹

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 959 February 2022



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان های زحمتکش، شریف و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین وسیله به اطلاع شما می رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیس بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی